



انترناسیونال ۱۴۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۱۹ مه ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

اعتصاب کارگران نساجی کاشان
پیام کارگران ایران خودرو

صفحات ۳ و ۷

جنبش مدنیت در برابر توحش
سخنرانی حمید تقوایی در آلمان

صفحه ۸

در سالگرد حمله به کارگران سندیکای واحد
قربانیان بسلان

درحاشیه رویدادها سیاوش مدرسی صفحه ۸

رشوه به جنبش اسلامی موقوف!

ما نخواهیم گذاشت آیان هیرسی علی را
در بارگاه اسلام سیاسی قربانی کنند!

مینا احدی



دو روز گذشته در پارلمان و در مطبوعات هلند و سراسر جهان، يك خبر و يك واقعه، انعکاس گسترده ای داشته و توجه ها را در سراسر جهان بخود جلب کرد.

دولت هلند به نحو بیسابقه و غیر قابل باوری به آیان هیرسی علی، نماینده مجلس، شهروند هلند و منتقد اسلام سیاسی و مذهب اسلام، حمله میکند. به بهانه های پوچ حق شهروندی او را با يك چرخش قلم از او باز پس میگیرد و این رفتار خشن و ناهنجار را، بیشرمانه توجیه هم میکند.

کسی باشد. سناریوی دولت و احزاب دولتی همراه با ژورنالیستهای نان به نرخ روز خور و مزدور این است که میگویند: يك کلمه آخر از اسم فامیل او عوض شده است، امری که قبلا از آن هم مطلع بوده اند. می فرمایند هیرسی علی به اداره

صفحه ۳

اینکه، توجیهای این مسئله چه چیز است، ابتدا نباید مورد بحث

اعتصاب اعتصاب حق مسلم ماست

کارگران اخراجی ایران خودرو باید فوراً سرکارشان بازگردند



این اقدام کارفرما در کارخانه

صفحه ۲

و کار داشتن کارگران با پیمانکاران مختلف در این کارخانه طی این مدت نتوانستند چندین حرکت اعتراضی هماهنگ و سازمانیافته را در سطح کارخانه به پیش برند. این اعتراضات، از جمله اعتصاب هفدهم اسفند ماه کارگران ایران خودرو با خواست افزایش پاداش آخر سال، اتفاقات مهمی است که زنگ خطری برای رژیم و کارفرما بود.

طی هفته گذشته دهها نفر از کارگران کارخانه ایران خودرو به جرم شرکت در اعتصاب هفدهم اسفند ماه از سوی مدیریت و معاونت منابع انسانی کارخانه اخراج و از کار بیکار شدند. این خبری است که همه جا انعکاس گسترده ای پیدا کرد. موضوع بسادگی اینست که در این کارخانه در چند ماهه اخیر شاهد تحرکات زیادی بودیم و علیرغم سر

دهها نفر از کارگران ایران خودرو

به دلیل شرکت در اعتصاب اخراج شده اند

فضای اعتراضی کارخانه را فراگرفته است

صفحه ۲



هیرسی علی قربانی تعرض خزنده اسلام سیاسی در هلند

فرشاد حسینی

دوشنبه اعلام کرد که پاسپورت و شهروندی آیان هیرسی علی دیگر اعتبار قانونی نداشته و ایشان دیگر شهروند هلند محسوب نمیشود. در

صفحه ۶

هلند در جامعه هلند شدت گرفته و طی دو روز گذشته به یکی از داغ ترین مباحثات روز سیاسی هلند تبدیل شده است. خانم فردونک وزیر تابعیت و ادغام طی نامه ای در روز

از روز دوشنبه ۱۵ مه بحث پیرامون پس گرفتن شهروندی آیان هیرسی علی منتقد سرسخت اسلام سیاسی به دلیل ارائه اظهارات نادرست پیرامون نام، سن و مسیر ورودش به

از امیر زیدان و شیرین عبادی

تا اشتاین باخ!

گفتگو با مینا احدی

در حاشیه سفر یک هفته ای به اطریش

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ اعتصاب اعتصاب حق مسلم ماست

ایران خودرو صرفاً تعرضی به کارگران این کارخانه نیست بلکه تعرضی است به کل کارگران. واقعیت اینست که بدنبال اعتصاب با شکوه کارگران شرکت واحد که در آن گوشه کوچکی از قدرت کارگران به نمایش گذاشته شد، اعتصابات کارگری به وزنه سنگینی در اوضاع سیاسی امروز تبدیل شده است. بویژه امروز در شرایطی که بیش از هر وقت کارگران دارند از حق اعتصاب سخن میگویند. از جمله در اول مه امسال یک شعار اصلی کارگران شعار اعتصاب اعتصاب حق مسلم ماست بود و این را کارگران شرکت واحد، کارگران ایران خودرو، کارگران کارخانجات مختلف و هزاران کارگر در مارش با شکوه اول مه که صف خود را از مزدوران خانه کارگر و شوراهای اسلامی جدا کرده بودند، فریاد زدند. بعلاوه در شرایطی شاهد گسترش هر روز اعتراضات کارگری و دست از کار کشیدن ها هستیم که کارفرمایان و دولت از گسترش این اعتصابات بیم دارند. بیم دارند از روزی که نه تنها کارگران شرکت واحد بلکه کارگران نفت، کارگران برق، شهرداری و کارخانجات ماشین سازی و مراکز بزرگ و کلیدی به اعتصاب کشیده شوند و کمر اقتصادی رژیم بشکنند. از اینرو میبینیم که رژیم و کارفرمایان میکوشند در مقابل بکارگیری این سلاح از سوی کارگران بایستند. میکوشند به هر شکلی شده مانع شوند و با گسیل نیروی انتظامی و با وعده و وعید و تفرقه در میان کارگران از اعتصابات کارگری جلوگیری کنند. در چنین شرایطی است که در کارخانه ایران خودرو چنین تهاجمی صورت میگیرد و کارگران معترض در معرض اخراج قرار میگیرند و در واقع اخراج کارگران ایران خودرو پاسخی است به همه این شرایط چرا که از نظر اینها ایران خودرو با بیش از ۳۰ هزار کارگر نباید به شرکت واحد دیگری در تهران و در سطح جنبش کارگری تبدیل شود و کارخانجات دیگر را به لرزه در آورد؛ چرا که به حرکت درآمدن بیش از ۳۰ هزار کارگر در این مجتمع مهم کارگری فوراً بر مراکز بزرگ کارگری دیگر، مراکز

که در شرایط مشابهی قرار دارند و هر بخش آن به پیمانکاری سپرده شده است، نظیر صنایع نفت، پتروشیمی، خودرو سازها و منطقه ای چون عسلویه که در آن بیش از ۵۰ هزار کارگر به کار اشتغال دارند، تاثیر خود را میگذارد و در مقابل آنها راه نشان میدهد. بنابراین قابل تصور است که در شرایطی که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد و تمامی کارگران و بخش های مختلف جامعه در کمین فرصتی هستند تا دست به اعتراض بزنند و به خیابانها بریزند، ایران خودرو یک کانون بحران و کانون اعتراضی خطرناکی برای رژیم باشد که خاموش کردن آن در دستور فوری آنها قرار بگیرد. از اینروست که یکبار به بیش از ۵۰ کارگر از کار اخراج میشوند. همچنانکه در اعتصاب کارگران شرکت واحد هم دیدیم که بیش از هزار کارگر راهی زندان شدند و رژیم تمام قوای خود را بکار برد تا اعتراض آنان را به عقب براند. از سوی دیگر، ایران خودرو یک موقعیت منحصر به فردی دارد. به این معنی که شاهد شرایط بسیار سخت کاری با ساعات اضافه کاری در این کارخانه هستیم بطوریکه تنها در عرض سه سال ۱۰ کارگر در این کارخانه جان خود را از دست دادند که دو نفر از آنها بخاطر فشار بالای کار بود که قلبشان از کار افتاد و جان سپردند. کارخانه ای که در آن فشار کار بیداد میکند و کارگران روزانه ده تا دوازده ساعت کار میکنند، روزهای جمعه و حتی بعضاً دو شیفت متوالی شب کار میکنند، و آنچنان جو پلیسی ای بر آن حاکم است که کوچکترین اعتراضی با سرکوب بلافاصله روبرو میشود. کارخانه ای که بازداشگاه و بازجو دارد و در سال گذشته بود پرویز سالاروند یکی از کارگران معترض این کارخانه به خاطر اعتراض به شرایط کارش توسط حراست کارخانه ربوده شد و در همان زیر زمین کارخانه مورد بازجویی قرار گرفت و بعد هم راهی زندان شد که تحت فشار اعتراض کارگران از زندان آزاد گردید. بدین ترتیب ما در این کارخانه شاهد جنگی نابرابر و دایمی بین کارگران و کارفرما و دولت هستیم.

اما علیرغم همه این فشارها و تبدیل این کارخانه به یک اردوگاه تمام عیار اجباری کار، کارگران در این کارخانه همواره دست به اعتراض و مبارزه زده اند و بویژه در دو سال اخیر ما شاهد اقدامات پیشرو و قابل توجهی از سوی کارگران این کارخانه بوده ایم. از جمله، کارگران ایران خودرو با بیانیه هایشان و با اعتراضاتشان بر سر هر موضوع مهمی که پیش آمده نقش پیشروی در جنبش کارگری ایفا کرده اند. ما از سوی کارگران این کارخانه بارها بارها شاهد پیامهای همبستگی و حمایت از مبارزات کارگران بخش های دیگر بوده ایم. همچنین بیانیه های اعتراضی کارگران این کارخانه در قبال مسایل مهم قابل توجه است. از جمله اینکه کارگران این کارخانه با صدور بیانیه ای اعتراضی به شرکت هیات ایران در سازمان جهانی کار معترض شدند، به تصمیم دولت مبنی بر تعیین حداقل دستمزد ۱۵۰ هزار تومان اعتراض کرده و اعلام کردند که تعیین حداقل دستمزد تنها در صلاحیت نمایندگان منتخب خود کارگران است و نیز در قطعه نامه ده ماده ای سال گذشته خود که در آن خواست حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان و لغو قراردادهای برده وار موقت و انعقاد قراردادهای دایمی را عنوان کرده بودند، اینها همه گامهایی است که بیش از پیش نقش پیشرو کارگران ایران خودرو را به نمایش میگذارد. اینها همه فاکتور های مهمی هستند که باعث میشوند که مبارزات کارگران در این کارخانه جایگاه مهمی پیدا میکنند.

بنابراین ایران خودرو همانطور که اشاره کردم یک اردوگاه اجباری کار است که امروز حالتی انفجاری به خود گرفته است و شکستن خفقان و جو پلیسی در آنجا و مبارزه متحد کارگران در این کارخانه میتواند شعله ای باشد که به کارخانجات دیگری که در شرایطی مشابه آن قرار دارند سرایت کند و کل جامعه را به تکان در آورد. و بالاخره اینکه ایران خودرو دژ محکمی برای سرمایه داران است که با تحمیل شرایط برده وار به کارگران، بنا به گفته خود مقامات دولتی در قبال کار طاقت فرسای کارگران، سود کلانی به جیب صاحبان آن سرریز میشود. بنابراین کارگران ایران خودرو یعنی تهاجمی

دهها نفر از کارگران ایران خودرو به دلیل شرکت در اعتصاب اخراج شده اند فضای اعتراضی کارخانه را فراگرفته است

فرسای کار در این کارخانه یک مساله جدی کارگران است. در نتیجه همین شرایط در سال ۸۲ دو تن از کارگران بنامهای "پیمان خسرو زاده رضی لو" و "امید اولادی" هنگام کار از پا افتادند و جان باختند. در سه ساله اخیر نزدیک به ده کارگر در اثر عدم ایمنی محیط کار جانشان را از دست داده اند. ولی مدیریت جنایتکار کارخانه ایران خودرو کماکان کارگران را وادار به کار در همین شرایط مینماید و در برابر اعتراض کارگران متوسل به حربه اخراج شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران ایران خودرو را به ادامه اعتراض به اخراجها و برای تغییر اساسی شرایط کار در این کارخانه فرا میخواند. کارفرما و مدیریت این کارخانه که یک کارخانه دولتی است مسبب جان باختن کارگراند و باید به جرم جنایت محاکمه شوند. کارگران اخراجی باید فوراً به سرکارهای خود بازگردند و خواستههای کارگران عملی شود. حزب همه کارگران و سازمانهای کارگری در ایران و در سطح بین المللی را به حمایت از کارگران ایران خودرو که اینچنین زیر فشار و تهاجم مدیریت این کارخانه قرار گرفته اند فرا میخواند.

**ناوید باد نظام سرمایه داری
مرکز بر جمهوری اسلامی
آزادی برابری حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران**
۱۶ مه ۲۰۰۶ - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۵

دیگر به کل جامعه برای عقب راندن آنها از خواستها و مطالباتشان. باید در برابر این تهاجم ایستاد. باید کارگران در تمامی کارخانجات با پیامهای همبستگی خود خواهان بازگشت به کار فوری و بدون قید و شرط کارگران اخراجی ایران خودرو شوند. باید صدای این اعتراض را وسیعاً در سطح بین المللی منعکس کنیم و بکوشیم تا با شکل دادن به یک همبستگی وسیع بین المللی، کارگران اخراجی ایران خود رو را به سر کارشان بازگردانیم. *

از صفحه ۱ رشو به جنبش اسلامی موقوف!

فردا از انبساط اتهامات خودشان چیزهای جدیدی را بیرون خواهند کشید. اما باید از زیر این گرد و خاک به پا شده حقایق را بیرون کشید. سوال بطور واقعی اینست چرا اکنون، چرا به این نحو و چرا چنین وحشیانه؟ واقعیت اینست که آیان هیرسی علی، یک سمبل و یک چهره سرشناس



آیان هیرسی علی در کنفرانسی مطبوعاتی

منتقد اسلام و زن ستیزی و انسان ستیزی اسلام سیاسی است. آیان در دنیا معروف است چرا که همواره در مقابل اسلام سیاسی و مذهب اسلام موضع گرفته و بویژه آیان معروف شده است بدلیل ساختن فیلم تسلیم، که نقدی برنده است از مذهب اسلام و قرآن و زن ستیزی آن. بهمین دلیل نیز کارگردان این فیلم به دست جریانات اسلامی، به قتل میرسد و آیان تهدید به قتل به دست همین باندها میشود.

آیان هر جا که در دو سال اخیر حضور یافته، بیرحمانه و صریحا اسلام و احکام اسلامی را نقد کرده است. به حملات جریانات اسلامی پاسخ داده و مورد توجه عمومی در دنیا قرار گرفته است.

حمله به آیان، چاپلوسی در محضر جنبش سیاه اسلامی است و بس!

حمله به آیان فقط و فقط در این چهارچوب قابل توضیح است. توجیحات این حمله فقط بهانه های پوچی و مسخره ای است برای لاپوشانی یک تعرض راست و یک دم تکان دادن دولت هلند و وزیر مهاجرت آن در مقابل ملاها، اسلامیهها و سازمانهای تروریست

سایه شوم اخراج و یا حتی باز پس گرفتن حق شهروندی هلندیها را به بهانه های واهی جلوی چشم جامعه میگنارند.

بطبعاً این باطل کردن حق شهروندی شامل شیادان حاکم و یا مفتخوران سیاستمدار در احزاب دولتی نمیشود که دزدیهای کلان آنها هر از چندگاهی اینجا و آنجا درز میکند و یا مخفیانه به اسلامیهها و دولتهای اسلامی اسلحه و پول تحویل میدهند. دولت هلند و دولتهای غربی در یک کورس بیشرمانه، کمک و همیاری و مماشات و همدلی با جریانات اسلامی را دارند به پیش میبرند. تصور میکنند با این کار باندهای اسلامی را رام کرده و خطر ترور را در کشور خود مهار میکنند. تصور میکنند که "مردم مسلمان" را از این طریق رام میکنند و در عین حال برای خود رای میخرند.

دوره جدید روابط حسنه دولتهای غربی با جنبش سیاه اسلامی با این حمله به آیان بسیار واضح تر میشود. بعد از جنگ و حمله آمریکا و متحدین آن به عراق و بعد از ایجاد سناریوی سیاه در عراق، بعد از ماجرای کاریکاتورها و تهدید دولتها و باندهای اسلامی به بایکوت اقتصادی و یا ترور و ناآرامی، راه حل برون رفت از این اوضاع را ظاهراً قربانی کردن منتقدین و یا معترضین به اسلامیهها میدانند.

سوال اینست چه قانونی و چه کسی به یک نفر اجازه میدهد به هر دلیلی حق اقامت و شهروندی یک نفر را باطل کند؟ آیا با همین استدلال و با همین منطق نمیتوان تعداد زیادی را که از ترس و از سر ناچاری و بدلیل رفتار و سیاست ضد انسانی دولتهای غربی مجبور میشوند برای ماندن و زندگی کردن، برای اینکه بازپس فرستاده نشوند و قربانی سنگسار و قتل ناموسی و اعدام و دست و پا بریدن به دست دولتهای تروریست اسلامی نشوند دروغ بگویند، به راحتی آب خوردن از حق شهروندی محروم و روانه جهنم کرد؟

اگر این واقعه معنی سیاسی داشته باشد، همین است. آیان هیرسی علی چهره سرشناس و منتقد صریح اللهجه قوانین و سنتهای عقب مانده و ضد زن و ضد انسان اسلامی است. او خود قربانی این قوانین و سنتها بوده و بعد از اینکه امکانی یافته و بلندگویی در

کارگران نساجیهای کاشان به اعتصاب خود ادامه میدهند

اعتراضات کارگران نساجیهای کاشان بیش از سه ماه است ادامه دارد

خواست برکناری مدیرعامل کارخانه در مقابل ساختمان فرمانداری در این شهر تجمع کرده و خیابان های این منطقه را مسدود کردند.

حرکت متحدانه و مصمم کارگران نساجیهای کاشان یک مبارزه نمونه وار برای مقابله با سیاست جنایتکارانه بالا کشیدن دستمزدها توسط کارفرمایان و دولت است. اتکا کردن تصمیمات به رای همه کارگران، هماهنگ کردن اعتراضات در سطح چند کارخانه، و

این دور از اعتراضات کارگران نساجیهای کاشان از ماههای آخر سال گذشته شروع شد و کارگران قبل از تعطیلات نوروزی اعلام کردند که اگر کارفرما و دولت به خواستههای آنها جواب ندهند مبارزات خود را شدد خواهند داد. کارگران نساجیهای کاشان طی ماههای گذشته در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود بارها دست به تجمعات اعتراضی زدند. در مراسم تجمع اول مه این کارگران به تهران رفتند و حضور برجسته ای در تجمع اول مه داشتند. در این تجمع کارگران صف خود را از پادهای "خانه کارگری" رژیم جدا کردند و بر خواستههای خود پافشاری نمودند. پلاکاردهای نساجی های کاشان که روی آن نوشته شده بود "۱۴ ماه دستمزد معوقه ما را بپردازید" به نحو برجسته ای به چشم میخورد. همچنین روز ۴ اردیبهشت بیش از هزار تن از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان در اعتراض به همین موضوع و با

صدها کارگر کارخانه های ریسندگی و بافندگی و "طرح توسعه نساجیهای کاشان" بدینال سه ماه اعتراضات اخیر خود، همچنان در اعتصاب بسر میبرند. کارگران اعلام کرده اند که تا زمانی که تمام حقوق و مزایای پرداخت نشده خود را دریافت نکنند به سر کار باز نخواهند گشت. روز ۲۳ اردیبهشت نمایندگان کارگران در جلسه فوق العاده هیئت مدیره کارخانه اعلام کردند که تا گرفتن حقوق خود دست از اعتصاب نخواهند کشید.

این دور از اعتراضات کارگران نساجیهای کاشان از ماههای آخر سال گذشته شروع شد و کارگران قبل از تعطیلات نوروزی اعلام کردند که اگر کارفرما و دولت به خواستههای آنها جواب ندهند مبارزات خود را شدد خواهند داد. کارگران نساجیهای کاشان طی ماههای گذشته در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود بارها دست به تجمعات اعتراضی زدند. در مراسم تجمع اول مه این کارگران به تهران رفتند و حضور برجسته ای در تجمع اول مه داشتند. در این تجمع کارگران صف خود را از پادهای "خانه کارگری" رژیم جدا کردند و بر خواستههای خود پافشاری نمودند. پلاکاردهای نساجی های کاشان که روی آن نوشته شده بود "۱۴ ماه دستمزد معوقه ما را بپردازید" به نحو برجسته ای به چشم میخورد. همچنین روز ۴ اردیبهشت بیش از هزار تن از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان در اعتراض به همین موضوع و با

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۵ - ۱۶ مه ۲۰۰۶

مذهبی، جنبش نقد اسلام سیاسی و جنبش سکولاریستی قوی است و باید در مقابل این تعرض بیشرمانه متحدانه و یکصدا بایستد. اقدام دولت هلند علیه آیان هیرسی علی یک اقتضای سیاسی است، نقض حقوق انسانی است، میدان دادن به جنبش اسلامی است. کل این سناریو را باید به شکست کشاند. *

اختیار داشته، بی محابا به مذهب اسلام تاخته و زن ستیزی و انسان ستیزی آنرا نقد کرده است. این حمله در عین حال حمله به صف سکولاریسم، حمله به صف همه ما است. در مقابل این رفتار بیشرمانه دولت هلند باید ایستاد. باید نشان دهیم که سیاستمداران در غرب بیراهه میروند. جنبش ضد

از امیر زیدان و شیرین عبادی تا اشتاین باخ گفتگو با مینا احدی در حاشیه سفر یک هفته ای به اطریش

محسن ابراهیمی: مینا احدی هفته بسیار پرکاری را در اطریش پشت سر گذاشتی. موسسه برونو کرایسکی و چند نهاد دیگر شما را به سمپوزیومی در مورد اسلام سیاسی به شهر وین دعوت کرده بود. گزارش این سفر را از طریق گزارش بسیار خوب زری سبزواری دنبال کردیم. لطفاً قبل از همه چیز موسسه برونو کرایسکی را به خوانندگان معرفی کنید.

مینا احدی: موسسه برونو کرایسکی، یک نهاد نزدیک به حزب سوسیال دمکرات در کشور اطریش است که فعالیتهای متعدد فرهنگی و اجتماعی انجام میدهد. برگزاری کنفرانسهای متعدد از جمله فعالیتهای این نهاد است. چیزی شبیه به نهاد هاینریش بل در آلمان

محسن ابراهیمی: عنوان سمپوزیوم "غرب و دنیای اسلام، فاکتورها و پیش داوریها" بود. خیلی تیتیر وار بگوئید که چه نظراتی در این سمپوزیوم در مقابل هم قرار گرفتند؟ و صاحبان این نظرات چه کسانی بودند؟

مینا احدی: موضوع اصلی، در مورد نحوه برخورد با اسلام و یا "مسلمانان" بود و اینکه باید پیش داوری نداشت و اینها را که بیشتر منظورشان سازمانهای "معتدل" اسلامی بود تحت فشار گذاشت. از طرف سخنرانان متعدد اکثریت از زوایای مختلف در نقد فشار گذاشتن روی "دنیای اسلام" حرف زدند و به "دنیای غرب" و خودشان انتقاد میکردند که این "عزیزان لطیف و مهربان مسلمان" را تحت فشار گذاشته اند. برای من این جلسه و این جهت گیری بسیار عجیب و کاملاً خلاف جریان بود که باید باشد. در اینجا دیده میشد که هدف دولتهای غربی از کانال کنفرانسهای این چنینی با خیل عظیم استادان دانشگاهها و شرق شناسانی که هنرشان اینست که غ را از ته گلو و مثل یک ملا تلفظ میکنند و به فارسی و عربی آشنایی دارند، به اسلام سیاسی چراغ سبز نشان میدهند.

من و تعداد اندکی از سخنرانان و یا مجریان این برنامه در یک جهت کاملاً متفاوت حرف زدیم. بحث اصلی این بود که دنیای اسلام معنا ندارد. ما با جنبش اسلام سیاسی و

دولتهای فاشیست و تروریست اسلامی طرف هستیم و از سوی دیگر مردمی که در ایران و عراق و سودان و عربستان سعودی زندگی میکنند و از همه بیشتر طعم سرکوب و خفقان و خشونت از سوی این جنبش سیاه اسلامی را چشیده و علیه آن هستند. پس ما از چه چیز حرف میزنیم از دولتها و باندها اسلامی و یا از مردم ساکن در این کشورها؟ و سوال بعدی این بود کدام غرب؟ منظور دولتهای غربی است و یا کارگران و مردم و نهادهای مترقی در غرب. در این مباحثات از همه بیشتر من در مقابل مثلاً اشتاین باخ و نماینده سازمانهای اسلامی قرار گرفتم.

محسن ابراهیمی: از اشتاین باخ بیشتر صحبت کنید. ظاهراً خیلی با خاتمی و جناحهایی از حکومت اسلامی سرو سری دارد. ایشان چه گرایشی در قبال اسلام سیاسی را نمایندگی میکند؟ و چه بحثهایی بین شما در گرفت؟

مینا احدی: اوتو اشتاین باخ مسئول موسسه شرق شناسی آلمان است. این نهاد مهمی است که در سیاست گذاری دولت آلمان مستقیم و یا غیر مستقیم نقش بازی میکند. اشتاین باخ در این کنفرانس نشان داد که یکی از سرسخت ترین طرفداران اسلام سیاسی و یکی از کسانی است که از چپ و کمونیسم بشدت بیزار است و نماینده سازمانهای اسلامی را زیر بال و پر خود گرفته و در مقابل بحثهای من، بسیار پرخاشگر و عصبی است. او کلاً از تحت ستم بودن مسلمانان در طول قرنهای و نقش مخرب امپریالیسم در منطقه حرف میزد و اینکه اسلام سیاسی عکس العمل مردم به سیاستهای استعماری و امپریالیستی است و اکنون اسلام سیاسی و مثلاً حکومت اسلامی نماینده برحق این اعتراض به تحقیر تاریخی است. فقط میگفت اسلامیه باید سعی کنند زیاد تروریستی عمل نکنند. همین و بس. اشتاین باخ خود را در کمپ

اسلامیه می دید و یک طرفدار متعصب و سرسخت اسلامیه بود. یکی از دوستان نزدیک و مدافعین این جنبش سیاه در غرب. در سخنرانی این فرد، تاکید اصلی بر کنار آمدن با این جنبش و کمک بیشتر به آنها در غرب بود و در بخشی از سخنرانی اشاره کرد که فیلسوف محترم! خاتمی در یک جمع دوستانه و خودمانی گفت: "مسلمانان از عقده تحقیر شدن در رنج هستند و..." نکته مهم این بود که اشتاین باخ یکی از این دوستان حکومت اسلامی بوده و اینرا با افتخار بیان هم میکرد.

من در مقابل اشتاین باخ، تقریباً همه حرفهای او را نقد میکردم. از اینکه جمهوری اسلامی ایران، نه نماینده مردم تحت ستم و معترض به سیاستهای استعماری و کاپیتالیستی، بلکه ساخته دست خود دولتهای غربی و یا دولت امریکا بود صحبت کردم. من از تاریخ رشد اسلام سیاسی در منطقه، نحوه روی کار آمدن حکومت اسلامی و یا طالبان در افغانستان و نیروهایی که مدافع اینها بودند و هدف این نیروها حرف زدیم در مورد ضد انسانی بودن این جنبش سیاه و حمله شدید به حکومت اسلامی و سران ریز و درشت آن و از جمله خاتمی حرف زدیم. از نظر من "جامعه اسلامی و کشور اسلامی" وجود ندارد. کشورهایی هستند با حکومتهای اسلامی و یا دخالت باندهای ترور اسلامی در حکومت.

من از وجود یک جنبش آنتیستی و ضد مذهبی قوی در ایران، از نفرت زنان و مردم و جوانان از قوانین و سنتهای تحمیلی و ارتجاعی اسلامی حرف زدیم و از اینکه جمهوری اسلامی دیر یا زود به نیروی همین مردم سرنگون خواهد شد. در مورد غرب و مداخلات دولتهای غربی با سازمانهای اسلامی و حمله زننده اسلام سیاسی به پایه های سکولاریسم در غرب و ضرورت مبارزه و مقابله قوی با اسلام سیاسی در غرب و نه سازش با

این جنبش صحبت کردم. بهر حال بحثها زیاد بود و موضوعات متنوع.

محسن ابراهیمی: آیا از موضع ناسیونالیسم هم در این کنفرانس سخنرانی کردند؟ چه گفتند و چه جوابهایی گرفتند؟

مینا احدی: در این کنفرانس، کسی بعنوان مدافع ناسیونالیسم شرکت نداشت. فقط سخنرانی کتابیون امیرپور، در روز اول جالب و بحث برانگیز بود. ایشان در پاسخ به سوال این کنفرانس یعنی "غرب و دنیای اسلام، فاکتورها و پیش داوریها" از سرکوب دانه مردم در ایران توسط امپریالیستها حرف زد و در مورد مصدق و سیاستهای این دوره دولت امریکا در به شکست کشاندن وی و در پایان از این حرف زد که مردم در ایران چیز دیگری میخواسته اند و دولت امریکا همواره در مقابل مردم ایستاده است. امیرپور در سخنرانی طولانی خود، در نهایت چیزی و کلمه ای در مورد اسلام و "دنیای اسلام" و ویژه یک کلمه در مورد حکومت اسلامی ایران نکفت.

سوال من از ایشان این بود: خوب بعد از مصدق چه شد و مهمتر اینکه الان مردم در ایران در چه وضعی هستند و سران حکومت اسلامی که همگی هم ایرانی هستند و "خون ایرانی" دارند، آیا به "احساسات ناسیونالیستی" مزبور پاسخ داده اند. موضع امیرپور در مورد حکومت اسلامی چیست؟

البته با آشناییهای قبلی با مواضع امیرپور میدانستم که جهت سیاسی ایشان چیست. اما مهم بود که حتی در پاسخ به سوالات نیز ایشان حواسشان بود که یک کلمه بد از اسلام و حکومت اسلامی نگوید.

شیرین عبادی و صحبتهایش را در اطریش جلی گرفته است؟

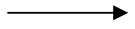
مینا احدی: شیرین عبادی سعی دارد که به عناوین مختلف بماند و حرفش را بزند. این بار بدلیل چاپ کتابش. ولی بهر حال در اطریش به بهانه دیگری مهمان آنجا بوده و سخنرانی کرده بود. من از چندین نفر شنیدم که می پرسیدند این زن چه میگوید و پیامش چیست؟ و چرا جایزه گرفته است؟

تعدادی که در جلسه بودند، فوق العاده از او انتقاد داشتند که حرفهایش ناواضح بود و بیشتر در تایید حکومت اسلامی و اجازه صحبت هم به جمع داده نشده بود و تعدادی از فمینیستهای سرشناس در اطریش و فعالین اطریشی حقوق بشر به این سخنرانی و جهت سیاسی شیرین عبادی بسیار معترض بودند. اگر شیرین عبادی و شرکا علاقه داشته باشند میتوانم این اشخاص منتقد امکان تماس با آنها را فراهم کنم تا از زبان خود این فعالین و این چهره های سرشناس در اطریش بشنوند که چه جو اعتراضی شدیدی در آنجا در مورد بازبها و یا آکروبات سیاسی شیرین عبادی در جریان است.

محسن ابراهیمی: مسئله قتل ناموسی یکی از بحثهای داغ این سمپوزیوم بود. اختلاف بر سر چی بود؟

مینا احدی: یک بحث و یا یک فضای معین در مورد مباحثات اخیر در آلمان در ارتباط با قتل ناموسی در این کنفرانس و یا بطور کلی در اطریش وجود داشت. و آن اینکه چرا این قتل در مورد قتل ناموسی حرف میزنید، چرا چهره اسلام را خراب میکنید؟ آیا فقط زن "مسلمان" در خانه قربانی میشود؟ مگر نمی بینید زنان اطریشی هم به دست دوست پسر و یا همسر به قتل میرسند؟ اینهمه سر و صدا برای چیست؟ من در مباحثات متعدد توضیح میدادم که علت قتل زن اطریشی و یا زنان از ترکیه و عراق، هر دو سیاسی است. در هر دو مورد نمیتوان معضل را به چهار دیواری خانه و رابطه دو فرد محدود کرد. مرد سالاری، موقعیت زنان در جامعه و قوانین، حمایت جامعه از زنان و یا عدم حمایت جامعه از آنان،

محسن ابراهیمی: در گزارش به برنامه ای از شیرین عبادی در اطریش اشاره شده است. شیرین عبادی که یک "پدیده یک هفته ای بود و همان هفته بعد از دریافت جایزه نوبل به خاطرها پیوست. آیا کسی امروز



در مورد قتل ناموسی، مذهب اسلام و دخالت آن در زندگی زنان و اسلام سیاسی و دولتهایی که سکس را حرام اعلام کرده و زن را برده جنسی تعریف کرده و رابطه جنسی آزادانه زنان و دختران را با قتل و اعدام و اسید پاشیدن روی صورت آنها پاسخ میدهند، باید این موارد مورد دقت و بررسی قرار گیرند. و تا آنجا که به قتل ناموسی در قلب اروپا بر میگرده، باید به نقش جریانات اسلامی و فضا سازی از طریق مسجد و کلاس قران و تحریک احساسات عقب مانده و فضا سازی علیه زنان در بین مردم مهاجر و پناهنده دقت کرد.

محسن ابراهیمی: از "فتوای شتر" امیرزیدان بگوئید. این فتوا دقیقاً چیست؟ در گزارش گفته شده است که این فرد در آلمان محکوم شده است ولی همین امروز در اتریش دفتر و دستک دارد. موضوع چیست؟

مینا احدی: امیرزیدان، یک فعال سازمانهای اسلامی است که در آلمان، فتوا صادر کرده بود که زن "مسلمان" اجازه ندارد بیش از ۸۱ کیلومتر، از خانه خود بدون همراهی یک مرد، دور شود. معنی عملی این فتوا در عین حال، اجازه نداشتن تعدادی از دختران برای رفتن به سفرهای دسته جمعی به همراه همکاران خودشان در مدارس بود. به این فتوا در آلمان اعتراض شدیدی شد و جناب فتوا دهنده در آلمان، دادگاهی و محکوم شد. سپس ایشان به اتریش رفته و اکنون در وین یک موسسه دارد و ملاها و تعدادی دیگر را برای تدریس اسلام آموزش میدهد. درست روزی که کنفرانس ما شروع شد روزنامه فالتر در این مورد مفصل نوشته بود و همین موضوع بحث و جنجال در کنفرانس شد.

محسن ابراهیمی: بحث کاریکاتورهای محمد یکی دیگر از بحثهای داغ سمپوزیوم بود. لطفاً خوانندگان انترناسیونال کمی بیشتر از بحث کاریکاتورها در سمپوزیوم مطلع کنید.

مینا احدی: یکی از سخنرانان که یک خانم دکتر از وین بود که در موسسه

ایران شناسی هم کار میکرد، در مورد کاریکاتورها و باز هم بی احترامی یا ناراحت کردن "مسلمانان" حرف میزد. در این بخش ایشان البته کاریکاتورهای دیگر را هم از مطبوعات آلمان و کشورهای دیگر جمع کرده و نقد میکرد. از جمله یک کاریکاتور از مناره بلندی که آنجلا مرکل صدراعظم آلمان بالای آن نشسته بود و برای جمعی از مردم که لباس عربی ویا حجاب داشتند و شتری هم در آن میان بود سخنرانی میکرد. طبعاً همه این کاریکاتورها بعنوان نمونه بی احترامی و یا تحریک مسلمانان مطرح و نقد میشد.

در جمع این طرفداران همکاری با سازمانهای اسلامی، و یا طرفداران سیاست دولتهای غربی، بحث اصلی این بود که باید مردم "مسلمان" را به نوعی آرام کرد و ساکت و راضی نگه داشت. و چون تحلیل اینها این است که مهاجرین و یا پناهندگان از کشورهای اسلام زده، هویت اصلی اشان مسلمان بودن آنهاست و نه انسان بودن، و چون سند مالکیت این مردم را برای سازمانهای اسلامی صادر کرده اند، پس سعی میکردند و میکنند تا با مفاشات و دوستی و همیاری با سازمانهای اسلامی این مردم را کنترل کنند. پس در در رابطه با مسئله کاریکاتورها بحث ابتدا دفاع از آزادی بیان و یا اعتراض به پول خرج کردن دولتهای ایران و عربستان سعودی و غیره برای تحریک و به خیابان کشاندن مردم و یا دامن زدن به تعصبات و عقب ماندگی و غیره نبود. صورت مسئله پذیرفته شده بود که مسلمانان را نباید تحریک کرد و نباید با این کارها موجبات دلخوری اینها را فراهم کرد. من در همین جا، در صحبتهایم گفتم که من از اینهمه سنگسار زنان، از حجاب جباری، جنا کردن زن و مرد و آپارتاید و اسید پاشیدن به صورت زنان، از عدم پرداخت دستمزد کارگران و یا زندانی و شکنجه کردن رهبران کارگری در کشورهای اسلام زده به دست دولتهای اسلامی دلخور هستم. کسی باید از من و ما دلجویی و حمایت کند یا نه؟ و این بخش از صحبتهای من یادم هست در بین جمعیت با کف زدن و ابراز احساسات مواجه میشد.

محسن ابراهیمی: در حین این سفر ملاقاتهایی با مسئولین سیاسی این کشور داشتید. این ملاقاتها با چه کسانی انجام گرفت، بر سر چه مسائلی بودند و نتایجشان چه ها بودند؟

مینا احدی: من در اتریش رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان اتریش را دیدم که بیشتر صحبتهای ما در مورد نقض حقوق انسانی در ایران و اعدامها بود. من همچنین خواهان اعتراض فوری و رسمی این نهاد به اعدامها در ایران بودم. همچنین در این نشست در مورد سمپوزیوم برونو کرایسکی و اهداف این برنامه و مبارزه با اسلام سیاسی در غرب مفصل حرف زدیم. تزوی ابراز علاقه کرد در جلسه شرکت کند و بعد از ظهر این روز تزوی به محل کنفرانس آمد و در طول سخنرانی و یا میزگردی که من در آن حضور داشتم، نیز در جلسه بود.

در این سفر همچنین معاون رئیس سازمان عفو بین الملل اتریش را ملاقات کردم. در این نشست، در مورد همکاریهای مشترک بین کمیته علیه اعدام و عفو بین الملل و انجام پروژه های مشترک صحبت کردیم.

محسن ابراهیمی: پیشنهاد خانمی تازه مسلمان شده در باره تشکیل "ستاد رهبری مسلمانان" چقدر جدی است؟ در مقابل شما از تشکیل "شورای اروپایی سکولاریستها و آنتیستها" صحبت کرده اید. در مورد اهداف این شورا و مراحل پیشرفت آن لطفاً بیشتر توضیح دهید.

مینا احدی: سازمانهای اسلامی در صدد ایجاد اتحاد در سطح اروپا بین خودشان هستند. این پروژه مهمی است و خطرناک و جدی هم است. اینها با گرفتن بودجه های کلان در گوشه و کنار اروپا مسجد می سازند و مناره ها را بلند تر میکنند. اینها با گرفتن سوسید از اتحادیه اروپا، کلاس قران سازمان میدهند و زندگی را بر مردم و جوانان و زنان در اروپا نیز، جهنم میکنند. اخیراً در وین، کنفرانس سراسری ملاها را داشتند و به همین نحو در حال سازمان دادن خود در سطوح بالاتر هستند.

من در این کنفرانس در مورد یک طرح مهم در سطح

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr: 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3
639 60 60-3
صاحب حساب
IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. نقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

اسلامی ویا هر کشیشی که میکروفون در اختیارش میگذازند، مطبوعات را موظف کنیم به سازمانهای سکولار و آنتیست هم امکان ابراز نظر داده شود. خلاصه این یک پروژه مهم است که ما در صدد پیشبرد آن هستیم و بزودی پلانفرم و برنامه آن اعلام خواهد شد.

محسن ابراهیمی: دستاوردهای این سفر چه ها بودند؟

مینا احدی: دستاوردهای این سفر زیاد بود. من در طول این سفر با چندین شبکه خبری مصاحبه کردم و با روزنامه فالتر که مصاحبه را اخیراً چاپ کرده است، در کنفرانس صدای اعتراض میلیونها نفر مردم و زنان از کشورهای اسلام زده را بر علیه مفاشات دولتهای غربی با اسلامیهها نمایندگی کردم. همچنین با پارلمان و عفو بین الملل ملاقات کردم. در طول این چند روز یکبار دیگر سعی کردم حقایق در این جوامع و همچنین اعتراض علیه جریانات و دولتهای اسلامی را مطرح کنم. *

سکولاریستهای آلمان و یا اروپا حرف زدیم که هدف آن سازمان دادن یک جبهه در مقابل این تعرض اسلامیهها است. ما در صدد سازمان دادن شورای آنتیستها و سکولاریستها در آلمان هستیم. هدف اینست که اولاً به دولتهای غربی و آلمان گفته شود که سازمانهای اسلامی ایداً نمایندند مردم مهاجر و پناهنده از کشورهای اسلام زده نیستند. ثانیاً یک بخش بزرگ مردم مخالف این باندهای ترور هستند و در عین حال هدف دیگر ما اینست که نشان دهیم، مردم زیادی از دین اسلام ویا یهود و مسیحیت خارج شده و مستقل از تعلق مذهبی خودشان بعنوان انسانهای برابر با یکدیگر زندگی و فعالیت میکنند و ما این مجموعه آنها را نمایندگی کرده و از حقوق آنها در مقابل باندهای اسلامی و همچنین دخالت مذهب در زندگی آنها، در مدارس و غیره دفاع میکنیم.

هدف اینست که در سطح رسانه ها و مطبوعات در مقابل هر

از صفحه ۱ هیرسی علی قربانی تعرض ...

پی این نامه، آیان هیرسی علی طی کنفرانسی در روز سه شنبه ۱۶ مه اعلام داشت علی‌رغم میل باطنی اش از سمت نمایندگی پارلمان هلند استعفا داده و هلند را به مقصد آمریکا ترك خواهد کرد. به دنبال اعلام این خبر روز سه شنبه ۱۶ مه يك اجلاس اضطراری در پارلمان هلند تشکیل شده و نمایندگان پارلمان با وزیر تابعیت و ادغام بر سر سلب شهروندی هیرسی علی به مدت ۷ ساعت به بحث و مشاجره پرداختند. اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان پارلمان از احزاب راست گرفته تا چپ با این تصمیم خانم فردونك مخالفت کردند. زیر فشارهای سنگین خانم فردونك عاقبت مجبور شد اعلام کند که وضعیت نهایی شهروندی خانم آیان هیرسی علی به مدت ۶ هفته مورد بازبینی مجدد قرار گرفته و طی این مدت وی میتواند شهروندی خود را داشته باشد.

ماجرای لغو شهروندی آیان هیرسی علی قطعاً يك مسئله حقوقی در چهارچوب آنچه در خبرها و تبلیغات دولت و مدیای رسمی هلند مطرح میشود، نبوده و کاملاً يك تصمیم آگاهانه سیاسی در راستای تنبیه سکولارهایی که بخواهند تند و تیز علیه اسلام سیاسی موضع بگیرند میباشد. تلاشی برای اعاده حیثیت و دلجویی از جنبش اسلام سیاسی است که به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر در غرب زیر ضربات سنگین جریانات مدرن و سکولار جامعه قرار گرفته است. ریشه‌های عمیق تر این موضوع را پایین تر ذکر خواهم کرد. اما تا همینجا مهمترین مشاهده، تحرك و پیشروی خزنده اسلام سیاسی از کانال دولتهای غربی میباشد. اما هیرسی علی چگونه بعنوان قربانی انتخاب شد؟

هیرسی علی، قطعه پازلی ناموزون در سیاست های رسمی هلند

هیرسی علی خود زنی قربانی خشونت های اسلامی در خانواده است. نفرت عمیق وی از آنچه در تمام ایام کودکی و نوجوانی به سرش آمده وی را به يك اکتیویست و فعال جدی ضد اسلامی تبدیل میکنند.

بابت نقدهای هیرسی علی در رسانه های گروهی از جریانات اسلامی پوزش خواهی کرده بود. تهدیدات تروریستی دسته جات اسلامی و تلاش های بی وقفه سیاستمداران رنگارنگ هلندی در خاموش کردن و آرام ساختن هیرسی علی چاره نمیکرد. سیاستمداران هلندی این بار به سبک مک کارتی در پی حذف هیرسی علی برآمدند. پاشنه آشیل هیرسی علی موقعیت پناهندگی و خارجی بودنش بود. از اینرو اکیپ فیلمبرداری به کنیا و سومالی اعزام شد تا اظهارات مطرح شده در پرونده پناهندگی اش را به تحقیق علنی بکشند. محصول این تحقیق فیلم مستندی به نام "حضرت آیان" قرار بود زمینه های اجتماعی و حقوقی ساقط کردن هیرسی علی را فراهم نماید. فیلم مصاحبه با افراد خانواده و فامیل هیرسی علی و در جهت رد ادعاهای وی در پرونده پناهندگی اش بود. فیلم روز پنج شنبه یعنی درست ۳ روز قبل از اعلام حکم بازپس گیری شهروندی هیرسی علی به وی از شبکه تلویزیونی هلند پخش میشود. و ۳ روز بعد حکم ابلاغ میشود. در همین حال دادگاهی در دنهاخ براساس شکایت همسایگان هیرسی علی مبنی بر احساس ناامنی حکم میدهد که هیرسی علی باید خانه اجاره ای خود را عوض کند. و ماه قبل در جریان انتخابات شهرداریهای هلند و شکست سنگین حزب لیبرال مجدداً هیرسی علی و نقدهای وی بعنوان عامل این شکست انتخاباتی عنوان شد.

از سوی دیگر در حزب مطبوع هیرسی علی و فردونك نیز اتفاقاتی میفتد. به دنبال شکست انتخاباتی حزب لیبرال در شهرداریهای هلند، این حزب در صدد جبران شکست انتخاباتی خود و آماده شدن برای انتخابات سال آینده بر میآید. مهمترین گام در این راستا حذف قطعات ناموزون پازل در حزب و سیاست رسمی خود است. فردونك رهبری فراکسیون پارلمانی را بدست گرفته و ماموریت اعاده اعتبار حزب لیبرال را بعهد میگیرد. نخستین اقدامش پس از کسب رهبری فراکسیون پارلمانی، باز کردن پرونده سلب شهروندی هیرسی علی و به عبارتی جار کردن وی از صحنه سیاسی جامعه هلند است.

تمام اتفاقات فوق به خوبی گواه آن است که ماجرای سلب تابعیت هلندی از هیرسی علی صرفاً يك مسئله حقوقی و پناهندگی نبوده و ریشه در عوامل مهمتر دیگری دارد. مسئله همان تعرض و پیشروی خزنده اسلام سیاسی در پوشش و از کانال دول اروپایی است. اما سوال اصلی اینجاست که چرا دول غربی به هر شکلی در تلاش حفظ اسلام معتدل و حمایت از جریانات اسلامی است؟ آیا این فقط بخاطر مقابله با جریانات تندروتر اسلامی است؟ آیا از ترس درگیریهایی و آشوب های خونین مذهبی است؟ کدام منافع مشخصی دول اروپایی را پشت حمایت از اسلاميون میکشاند؟

نیاز دول غربی به مذهب و اسلام سیاسی

ریشه های حمایت دول غربی از جریانات مذهبی و به ویژه اسلام سیاسی معتدل تر، بخشا پایه ای تر و بنیادی ترند و بخشا محصول ۱۱ سپتامبر و نظم نوین جهانی اند. پایه ای ترند به این دلیل که مذهب علی العموم اساسا یکی از ارکان ابقا و توجیه نظام استثمار سرمایه داری در جامعه است. حریره ای است که با آن توجیه مشقات و نابرابری های نظام سرمایه برای دولت ها و نظام حاکمه آسان تر است. رشد اسلام سیاسی در جوامع غربی و حتی در خاورمیانه را از این ملاحظیات تاکتیکی و استراتژیکی دولتها میتوان دید. اهمیت حفظ جایگاه مذهب بطور کلی در جوامع غربی بستری است که در بطن آن اسلام سیاسی به جلو رانده میشود. تقابل فرهنگی، ایدئولوژیکی و سیاسی با اسلام سیاسی عملاً میتواند به نقد مذهب بطور کلی و رشد سکولاریسم منتهی شود. به میزانی که سکولاریسم رشد کند، اسلام سیاسی و کل مذهب تضعیف شده و جایگاه و مطلوبیت اجتماعی مذهب، برای دولتها و نظام سرمایه داری را از دست میدهد. در پس سیاست نوازش اسلاميون در غرب، تلاش برای حفظ کل دستگاه کلیسا و مذهب در جامعه خوابیده است. تلاش برای مقدس جلوه دادن ابزارهای ابقای نظام برده داری سرمایه مطرح میشود.

اما حمایت از اسلام سیاسی به

دنبال واقعه ۱۱ سپتامبر نیز اهمیت تاکتیکی ویژه تری برای آمریکا و دولتهای غربی پیدا کرده است. این جنبش پس از سالها خدمت و سواری دادن به غرب برای مقابله با کمونیسم، امروز سهم خود را از قدرت سیاسی در منطقه طلب میکند. برای این جنبش دیگر الطاف و محبت های سابق غرب، ناکافی و حقیر است. این جنبش، حوزه جغرافیایی گسترده تر و منافع اقتصادی سیاسی بیشتری را از دول غربی طلب میکنند. تمام هسته محوری خصومت و درگیری سیاسی و نظامی غرب اولاً با این بخش معین اسلام سیاسی است و ثانیاً با این اشتباهی قدرت طلبی فزاینده سیاسی جریانات اسلامی است.

بطور خلاصه آنچه امروز در غرب در قالب پیشروی اسلام سیاسی در کشورهای مختلف مشاهده میکنیم نشان از يك موقعیت جدید میدهد. موقعیتی که حمایت و اتکای دول غربی به اسلام و مذهب نسبت به قبل فزونی یافته است. موقعیتی که سکولاریسم را در فشارهای سیاسی فرهنگی و حتی حقوقی بیشتری قرار میدهد. موقعیتی که آزادی بیان باید قربانی مذهب و بدست آوردن دل ملایها و آخوندهای اسلامی در اروپا شود. ماجرای سلب شهروندی آیان هیرسی علی را نیز باید در بطن این موقعیت جدید دید. و برای مقابله بین المللی با این رویکرد ارتجاعی دول غربی، باید با قدرت تمام به میدان آمد. این تنها آیان هیرسی علی نیست که مورد تعرض قرار گرفته است، این کل جنبش سکولاریسم در غرب است که از جانب اسلام سیاسی و از کانال دول غربی مورد شیخون قرار گرفته و در حال قربانی دادن است. باید نه تنها از آیان هیرسی علی دفاع کرد، بلکه کل تعرض خزنده اسلام سیاسی در غرب را به شکست کشاند. باید بطور وسیع تر و گسترده تر در مقابل آن سنگر بندی کرد. باید جبهه دفاع از آزادی بیان و جدایی مذهب از کلیه شئونات زندگی بشر را تقویت کرد. باید به کل جنبش سکولاریسم با يك افق و پرچم معینی هويت داد. باید در مقابل تعرضات خزنده مذهب و اسلام سیاسی از خشت خشت حقوق مدنی و انسانی و سکولار جامعه دفاع کرد. *

لغو شهروندی آیان هیرسی علی رشوه به اسلام سیاسی است

وزیر اتباع بیگانه هلند خانم فردونک، در اقدامی شرم آور، روز دوشنبه ۱۵ می، شهروندی آیان هیرسی علی را لغو کرد و پس از اینکه زیر فشار قرار گرفت این حکم را موقتاً پس گرفت. اعلان شد که این حکم ظرف ۶ هفته مورد بازبینی قرار خواهد گرفت و تصمیم نهائی پس از خاتمه این مدت اتخاذ میگردد. بهانه این است که آیان هیرسی علی در سال ۹۲ به هنگام ارائه درخواست پناهندگی از این کشور، اطلاعات غیر واقعی در باره خود ارائه داده است. این مساله ای تازه و خبری نو نبود. این موضوع را پیشتر، آیان هیرسی بارها خود بیان داشته بود. از سال ۲۰۰۲ وزارت اتباع بیگانه از این موضوع مطلع بوده است. واقعیت این است که لغو اجازه اقامت آیان، دلالت دیگری دارد. آنچه که وزیر به آن استناد میکند، ساده لوحان عالم سیاست را هم نمیتواند فریب دهد. پخمگان سیاسی را هم مجاب نمیکند. شو سیاسی که خانم فردونک براه انداخته است، تماماً مسخره، شرم آور و مشتم کننده است. این اقدامی آشکارا سیاسی است و در خدمت اهداف دیگری است.

آیان هیرسی علی یک چهره سرشناس و منتقد اسلام است. نویسنده سناریوی فیلم "تسلیم" است که کارگردان آن، تشو وان گوگ توسط اسلاميون ترور شد. آیان هیرسی علی از قربانیان اسلام در دوران کودکی و نوجوانی بوده و اکنون یک چهره شناخته شده علیه آن است. مخالفین او مدت ها است تلاش میکنند او را به تسکین بکشاند. این زمینه اصلی این اقدام است.

این اقدام چیزی جز رشوه به اسلام سیاسی نیست. درست یک ماه پیش شورای علمی سیاستگذاری دولتی که نهادهای بانفوذ در تعیین سیاست های داخلی هلند میباشد، طی یک گزارش ۲۵۰ صفحه ای اعلام کرد که اسلام در تناقض با حقوق بشر و ارزش های جامعه هلند نیست. جالب اینجاست که فاکت های محققین در اثبات تحول فکری سیاسی جریانات و جنبشهای اسلامی در زمینه دموکراسی و حقوق بشر، از کشورهایی مانند ایران گرفته شده بود! در همین گزارش، از دولت هلند و اتحادیه اروپا خواسته شده بود که به جای مقابله و به انزوا کشاندن جریانات

پیام کارگران ایران خودرو به تمام کارگران و سازمانهای کارگری و مردم آزادیخواه جهان

کارگران ایران خودرو را تنها نگذارید

ده ها نفر از کارگران اخراج و بسیاری از خانواده ها بی خانمان شده اند.

کارگران و آزادیخواهان تا کی کارگران باید به خاطر اعتصاب و خواستن حق خود اخراج شوند؟ تا کی جواب عدالت خواهی زندان و بیکار سازی است؟ اکنون بعد از کارگران شرکت واحد نوبت ما کارگران ایران خودرو است که به خاطر اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که بیش از ده سال از اجرای آن گذاشته است.

اعتراض به عدم پرداخت حقوق مساوی در مقابل کار مساوی اعتراض به لغو قراردادهای موقت اعتراض به نا امنی شغلی جانی و پایان دادن به کارهای پیمانکاری و پکیجی و انحلال شرکتهای پیمانکاری و تامين شغلی با استخدامهای رسمی و بخاطر ایجاد تشکلهای آزاد کارگری باید اخراج شویم. انتظار طبیعی ما از یکا یک شما حمایت از خواستههای ما کارگران و خواست بازگشت فوری همکاران اخراجی به سر کار می باشد.

ما کارگران ایران خودرو را تنها نگذارید و به هر طریقی که ممکن است به یاری کارگران اخراجی بشتابید. تنها در سایه مبارزه و تلاش و اتحاد همبستگی کارگری است که سرمایه داری عقب خواهد نشست.

ده باد اتحاد و همبستگی کارگری

جمعی از کارگران ایران خودرو
۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۴

کارگران ومردم زادبخواه و عدالت طلب

سرمایه داران و حامی آنها ده ها نفر از کارگران اعتصابی شرکت ایران خودرو را از کار اخراج کردند. جرم این کارگران شرکت دراعتصاب هفدهم اسفند ماه یکهزار سیصد و هشتاد و چهارمسی که برای رسیدن به خواسته های خود همانا پرداخت پاداش بهره وری تولید و اجرای طرح طبقه بندی بود اعلام شده است. در هفدهم اسفند یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار شمس عده ای از کارگران شرکت ایران خودرو وقتی که فهمیدند مدیریت زیر توافق خود که برای رسیدن به تولید پانصد و بیست هزار دستگاه خودرو بود زده است و پاداش رکورد تولید را به نصف کاهش داده است دست به اعتراض و نهایتاً دست به اعتصاب زده بودند .

مدیریت شرکت برای جلوگیری از گسترش اعتصاب اعلام کرد که اشتباهی در امور مالی رخ داده و این اشتباه را جبران خواهد کرد واز کارگران خواستند به سرکار خود برگردند. مدیریت اعلام کرد این اشتباه را جبران و طرح طبقه بندی را نیز اجرا خواهد کرد و کارگران به اعتماد حرف مدیریت به سرکار بازگشتند غافل از این که مدیریت با شکار دوربینهای اطلاعاتی خود کارگران اعتصابی را شناسائی و اکنون بعد از گذشت یک ماه دست به اخراج آنان زده است و جو وحشت و پلیسی و نا امنی شغلی در شرکت حاکم کرده است و در طی این مدت

تشکلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ می ۲۰۰۶

دعوت به کنفرانس تشکلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران

از همه اعضا و دستداران حزب و سایر علاقمندان برای شرکت

در یازدهمین کنفرانس تشکلات آلمان دعوت میکنیم!

با حضور حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران و خلیل کیوان دبیر تشکلات خارج کشور

زمان: یکشنبه ۴ ژوئن - ساعت ۱۰ صبح

تشکلات خارج حزب کمونیست کارگری - آلمان

برای ثبت نام با شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید.

تلفن تماس: +49 (0172) 4044323 +49 (0178) 3024832

Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

در حاشیه رویدادها

سیاوش مدرسی



جامعه را باید صاحبان اصلی آن اداره کنند

در سالگرد حمله به سندیکای کارگران واحد

سه شنبه ۱۹ اردیبهشت سالگرد حمله عوامل شوراهاى اسلامی کار و مزدوران خانه گارگر به دفتر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه است. سرکوب وحشیانه مبارزات و مطالبات برحق کارگران شرکت واحد، دستگیری اعضا و فعالین آن، در بند نگاه داشتن منصور اصانلو رهبر سندیکا در زندان، بریدن زبانش و تعلیق از کار بیش از ۲۰۰ کارگر فعال در سندیکا و اعتصاب رانندگان و کارکنان شرکت واحد تنها گوشه ای از کارنامه رژیم ضد کارگری اسلامی در ایران است.

تشکیل سندیکای شرکت واحد و اعلام اعتصاب کارگران و کارکنان این شرکت اگر چه نه نقطه آغاز و نه نقطه پایان مبارزات کارگران در ایران علیه رژیم کارگش جمهوری اسلامی بود اما خبر از خیزش جدیدی در جامعه کارگری ایران علیه رژیم در شرایطی جدید میداد.

پایان و فروکش به اصطلاح جنبش اصلاحات خاتمی و شرکا، خلا سیاسی و یاس بخش های مختلفی از جنبش اصلاح رژیم، تمام نگاه ها را در داخل و خارج کشور به جنبش کارگری معطوف کرد و میکند. شاید به جرئت بتوان گفت که مبارزات متشکل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نوید این دوران تازه است.

حساسیت و موقعیت منحصر بفرود جنبش کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از طرفی و مقابله رسماً متشکل کارگران در واقع زنگ خطر جدی برای رژیم اسلامی تهران محسوب میشود و میشود. اگرچه مبارزات پراکنده کارگری هرگز در تمام طول حیات جمهوری اسلامی متوقف نشده بود اما اگر چشم اسفندیار این جنبش و پاشنه آشیل آن را پراکنندگی و سازمان نیافتگی و یکدست نشدن جویبار پراکنده مبارزات کارگری

محسوب کنیم مبارزات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نقطه شروع حرکت بسوی سازمانیابی و همگون کردن مبارزات کارگری و اتحاد کارگری بود و هست. مبارزات این کارگران در سطح جهانی هم بسیار تاثیر گزار بوده است. حمایت و اعلام اعتصاب جهانی از مبارزات کارگران شرکت واحد و طبق آخرین خبر پذیرش رسمی عضویت سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه رسماً در فدراسیون بین المللی کارگران ترانسپورت "آی تی اف" وزنه و ثقل این مبارزات را پیش چشم میگذراند.

امروز شرایط زندگی و مزد کارگران در ایران تمام مرزهای بی حقوقی کار را درنوردیده است. برآستی در کدام سیستم و نظام هرچند سیاه و دیکتاتوری، در کدام منطقه جهان میتوان رژیمی را یافت که در مقابل کارگر مزدی پرداخت نکنند و کارگری را که خواهان مزدش است این چنین به زیر ضرب بگیرد؟ شاید به جرات در هیچ نقطه ای از جهان طبقه کارگر را در چنین شرایط دشواری نتوانیم سراغ بگیریم.

اما دیگر میتوان امید داشت که جنبش کارگری میرود تا در ابعادی دیگر در صحنه جامعه قد علم کند. دیگر میتوان انتظار داشت که نقطه قدرت جنبش کارگری یعنی سازمانیابی و اتحاد کارگری و مبارزه هدفمند به پله ای عملی در عروج مبارزات کارگری تبدیل شود. دیگر میتوان اعلام کرد که کارگر نان میخواهد، رفاه و آزادی میخواهد، بیمه های درمانی و اجتماعی میخواهد و میتوان گفت که کارگران اینهمه را نه تنها برای خود که برای کل جامعه طلب میکنند.

جامعه را باید صاحبان اصلی آن اداره کنند.

قربانیان بسلان!

دادگاهی در جنوب روسیه که مامور رسیدگی به پرونده "نورپاشا کولایف"

بیست و چهار ساله، تنها متهم زنده ماجرای خونین قتل عام بسلان است، متهم را مجرم اعلام کرد.

در روز چهارشنبه اول سپتامبر سال ۲۰۰۴ جامعه بشری با حیرت یکی از تراژیک ترین و وحشیانه ترین عملیات تروریستی بعد از جنگ دوم جهانی را شاهد بود. گروگان گیری بیش از هزار نفر در مدرسه ای در شهر بسلان در جمهوری خودمختار اوستیای شمالی واقع در جنوب غرب روسیه با حمله نیروهای امنیتی دولت ولادیمیر پوتین با کشتار ۲۷۰ تن که در میان آنان حدود ۱۶۰ کودک بود خاتمه یافت.

در واقع حادثه وحشتناک بسلان حلقه ای از کشمکش خونین بین دولت روسیه و جدایی طلبان چچن که حالا دیگر به ایدئولوژی اسلام سیاسی مجهز شده بودند، محسوب میشود. چچنی ها که در سال ۱۹۹۱ در هنگام فروپاشی شوروی اعلام استقلال کرده بودند و دولت روسیه این استقلال را به رسمیت نشناخته بود به جنگی پیروزمند در مقابل قزاق روسیه در سال ۱۹۹۶ دست زدند. جنگی که به تهاجم دولت روسیه به چچن و تسخیر این منطقه در ماه اکتبر ۱۹۹۹ انجامید. نتیجه این جنگ شکست مسلمانان تجزیه طلب چچنی و ویرانی کامل این منطقه بود. بمباران و سرکوب کور، کشتار مردم عادی، پیر و جوان و کودک و مرد و زن قرار بود به وثیقه پیروزی و اعلام اقتدار دولت روسیه در منطقه بیانجامد. قرار بود دولت ولادیمیر پوتین به این ترتیب پاسخی به دست اندازی های دولت آمریکا و حضور نظامی و اقتصادی این دولت در کشورهای سنا تحت نفوذ روسیه مثل گرجستان و آذربایجان بدهد. قرار بود جنگ چچن شکلی به جغرافیای سیاسی و اقتصادی منطقه بدهد و مانع نفوذ روز افزون آمریکا در منطقه باشد.

دسترسى به این اهداف با باج دهی و کوتاه آمدن در مقابل تعرض کور و ضد بشری تروریستهای اسلامی چچنی منافات داشت. برای دولت ولادیمیر پوتین و همسنگر تروریستهای اسلامی چچنی حادثه گروگانگیری اطفال بی گناه و مریی هایشان در مدرسه بسلان به جزو مکمل سیاستهای منطقه ای تبدیل شده بود. این جنگ نیز باید با قدرت به سرانجام میرسید. به اصطلاح

سخنرانی جبهه سوم: جنبش مدنیت در برابر توحش

سخنران

حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

موضوعات مورد بحث:

- زمینه های سیاسی و اجتماعی فراخوان جبهه سوم
- بحران اتمی و مساله قدرت سیاسی در ایران
- جنبش سرنگونی در ایران بر متن جنبش جهانی علیه جنگ
- نقش و جایگاه سیاسی و عملی حزب در جبهه سوم
- نیروها، اهداف و شیوه های مبارزه جنبش جبهه سوم

زمان: شنبه ۳ ژوئن ۲۰۰۶ ساعت ۴ بعد از ظهر

مکان: کلن
Bürgerzentrum Deutz
Temmel Str. 41-43
50679 Köln

ما از همه عزیزانی که علاقه مند به شرکت در این برنامه و بحث و گفتگو حول مباحث نام برده هستند دعوت میکنیم و خوشحال میشویم میزبان شما باشیم.

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن زیر تماس بگیرید
(0178) 3024832

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان

هجوم پلیس به مدرسه به همان اندازه گروگانگیری در مرگ کودکان و والدین آنها نقش داشته است. این حقیقت تا آن حد غیر قابل کتمان است که الکساندر تورشین، رئیس هیات تحقیق فدرال روسیه در مورد "عملیات نجات گروگان ها" به کمبودها و خطاهای متعدد اشاره میکند.

دادگاه مامور رسیدگی به پرونده نورپاشا کولایف تنها صحنه اعتراض و اعلام انزجار بازماندگان جان باختگان مدرسه بسلان از تروریسم اسلام سیاسی نبود. این دادگاه به محل اعتراض و دادخواست علیه دولت روسیه و شخص ولادیمیر پوتین و رئیس سرویس امنیتی هم تبدیل شده بود. صحن دادگاه شاهد اعتراض مردم عادی علیه هر دوسوی موج وحشیانه تروریستی که هر لحظه در جهان قربانی میگردد بود: تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی!*

آزادیخواهان چچنی از یکطرف و دولت ولادیمیر پوتین از طرف دیگر این قدرت نمایی وحشیانه را به نمایش گذاشتند. قتل عام مردم بی گناه و کشتار کودکان مابه ازای این جنگ تروریستی دو سویه بود. جنگ تروریستهای دولتی و جنگ تروریستهای اپوزیسیون! جنگ دولت روسیه و تروریستهای اسلامی چچنی!

این حقیقت از چشم بازماندگان قربانیان این جنگ پنهان نمانده است. گروه "مادران بسلان" نه تنها خواستار محاکمه نورپاشا کولایف که رسماً خواستار محاکمه ولادیمیر پوتین و نیکولای پاتروشف، رئیس سازمان امنیت روسیه هستند. خبرنگاران از مسکو گزارش میکنند که: "خویشاوندان قربانیان بسلان میگویند که اکثر گروگان ها به دست گروگانگیرها کشته نشدند بلکه در اثر استفاده ماموران امنیتی از اسلحه سنگین جان خود را از دست دادند. آنها می گویند